



نگرانی از خرید غیر مستقیم رأی‌ها.

در دو موضوع انتخابات بسیار حیاتی است: نخست شفاف‌سازی در تأیید صلاحیت‌ها و دیگری منابع مالی. حجم تبلیغات در معرفی کاندیدها در انتخابات به گونه‌ای است که می‌تواند نامزدها را به استفاده از منابع غیرقانونی برای تبلیغات سوق دهد. نکته مهمی که در این زمینه باعث نگرانی بیشتر است، «خرید رأی غیرمستقیم» یا تأثیرگذاری روی رأی افراد است.

سیاست‌های کلی انتخابات، پس از چندسال قرارگرفتن در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام، شنبه هفته جاری به تصویب رسید؛ سیاست‌هایی که در همان نگاه اول، بخشی از مسائل محل مناقشه در انتخابات و کاستی‌هایی که در قانون انتخابات مصوب مجلس چهارم وجود دارد را مدنظر قرار داده است.

بررسی بخشی از این سیاست‌ها، موضوع گفت‌وگوی «شرق» با «مرتضی المویری» است. پاسخ‌های این فعال سیاسی اصلاح‌طلب را می‌خوانید.

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی پس از تصویب سیاست‌های کلی انتخابات و ارائه آن به مقام معظم رهبری، این سیاست‌ها را مترقی و مناسب خواند که می‌تواند منشأ آثار مثبتی در روند انتخابات متعدد در آینده باشد. آیا وجود این سیاست‌های کلی می‌تواند باعث روزآمدشدن انتخابات و مانع وصله‌وپینه مداوم آن شود؟

سیاست کلی به‌طور طبیعی باید به قانون تبدیل شود، مگر مواردی که صراحت داشته باشد؛ یعنی علاوه بر اینکه سیاست کلی است، باید و نباید مشخصی هم برای اجرا در آن لحاظ شده باشد. تصور می‌کنم بخش‌هایی از این سیاست‌ها باید توسط مجلس به قانون تبدیل شود و امیدواریم در ظرف زمانی موجود به انتخابات مجلس دهم برسد.

«بهره‌مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر و عادلانه امکانات در هر انتخابات، حسب مورد از صداوسیما و دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور»، یکی از مواد مصوب است. یکی از اعتراض‌های نامزدها به شیوه برخورد صداوسیما بازمی‌گردد. می‌توان مکانیسمی طراحی کرد که مانع اعمال سلیقه در این رسانه و سایر تریبون‌های عمومی به نفع یا ضرر گرایش خاصی شود؟

بدون تردید ایجاد چنین سازوکاری در صداوسیما امکان پذیر است و انتظار این است با توجه به ضریب نفوذی که این رسانه متعلق به همه مردم، در سراسر کشور دارد، تدبیر مشخصی برای آن اندیشیده شود؛ اما تصور این است، همان طور که در این ماده تصریح شده است، منظور مجمع تشخیص مصلحت، تمامی تریبون های رسمی است. با این نگاه به سیاست کلی، تریبون هایی که به نحوی با ساختار رسمی ارتباط دارند، به شکل عادلانه در اختیار همه جریان های سیاسی حاضر در انتخابات قرار بگیرد. متأسفانه جناح بندی های سیاسی سبب شده دسترسی به این تریبون ها برای همه امکان پذیر نباشد. باید سازوکاری اندیشیده شود که تمام افرادی که به موجب قانون، اجازه حضور در رقابت ها را می یابند بدون هیچ تبعیضی از امکانات ساختار رسمی مانند تریبون های مساجد و نماز جمعه استفاده کنند.

موضوع هزینه های انتخاباتی که اخیراً در قالب ماجرای پول کثیف هم مطرح شد، همواره محل چالش بوده است. در یکی از مواد سیاست های کلی انتخابات، تعیین حدود و نوع هزینه ها و منابع مجاز و غیرمجاز انتخاباتی، شفاف سازی منابع و هزینه های انتخاباتی داوطلبان و تشکلهای سیاسی و اعلام به مراجع ذیصلاح و اعمال نظارت دقیق بر آن و تعیین شیوه و چگونگی برخورد با تخلفات مالی است. با توجه به دشواری رصد کردن دارایی افراد در ایران و نواقصی که بانک های اطلاعاتی دارند، پیشنهاد مشخص شما در این باره چیست؟

شفاف سازی در دو موضوع انتخابات بسیار حیاتی است: نخست شفاف سازی در تأیید صلاحیت ها و دیگری منابع مالی. حجم تبلیغات در معرفی کاندیدها در انتخابات به گونه ای است که می تواند نامزدها را به استفاده از منابع غیرقانونی برای تبلیغات سوق دهد. نکته مهمی که در این زمینه باعث نگرانی بیشتر است، «خرید رأی غیرمستقیم» یا تأثیرگذاری روی رأی افراد است. ممکن است مراجع قانونی نتوانند این مسئله را رصد کنند که به عنوان مثال، کاندیدایی که افطاری داده، قصد خرید رأی داشته یا نه؟ اما کسی نمی تواند تردید داشته باشد این گونه میهمانی ها و هزینه کردن ها در رأی افراد تأثیر خواهد داشت؛ بنابراین پیگیری منابع مالی، یکی از شاه کلیدهای کنترل و رسیدن به انتخابات سالم است. تاجایی که می دانم برخی کشورها مکانیسم هایی تعبیه کرده اند، برای مثال در ترکیه اشخاص حقیقی برای کمک کردن به انتخابات، بیشتر از حد معینی نمی توانند به نامزدها کمک کنند. ممکن است فردی به صد نفر پول بدهد تا آن صد نفر در سقف مقرر به نامزدی کمک کنند؛ اما به هر حال این نوع قیدها، می تواند تا حدی جلوی تخلفات را بگیرد. من نگران ورود پول های کثیفی هستم که در دولت گذشته به دلیل شفاف نبودن مسائل مالی و اختلاس ها، در حجم بالا در اختیار برخی قرار گرفته و احتمال اینکه در انتخابات استفاده شود وجود دارد؛ بنابراین اعضای مجمع به درستی، این مسئله و حق الناس بودن رأی مردم را مد نظر قرار داده اند.

فقدان تحزب از مواردی است که کشور از آن بارها آسیب دیده است. در سیاست های کلی اختیارات قابل توجهی برای احزاب دیده شده است؛ «پیش بینی راهکار قانونی لازم توسط دولت و مجلس برای ایجاد امکان رأی دادن به فهرست احزاب و گروه های قانونی و تسهیل و ارتقای سطح مشارکت احزاب و تشکلهای سیاسی قانونی در انتخابات به منظور معرفی افراد شایسته در تراز جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب صلاحیت های قانونی، مطالبه رقابت سالم انتخاباتی داوطلبان مورد حمایت در جهت افزایش مشارکت و حضور با نشاط مردم». می توان به حزبی شدن انتخابات در کشور امیدوار بود؟

احزاب کلوپ های خرد جمعی هستند که اجازه می دهند افکار و اندیشه ها در کنار هم جمع شود و در مسائل سیاسی به تصمیم جمعی برسند. انتخابات یکی از بخش های مهم تصمیم سازی سیاسی است. وقتی جامعه ای از حزب غافل شود، احاد مردم گرفتار شومن های خلق المساعه می شوند که مانند جرقه می درخشند و فوراً خاموش می شوند. برای اجتناب از این مسئله که مصیبت های زیادی به کشور وارد آورده است، توجه به نقش احزاب مهم است. مجمع روی نکته مهمی دست گذاشته است. تجربیات جهانی هم نشان می دهد عمده بار انتخابات چه در زمینه گرم کردن تنور رقابت ها و چه معرفی کاندیدای شایسته، روی دوش احزابی است که هویت روشن دارند و باید در قبال مردم پاسخگو باشند. اگر فرد یا افراد نامناسبی را به مردم معرفی کنند، محبوبیت خود را از دست می دهند و اگر موفق عمل کنند، در

کشور فراگیر می‌شوند. احزاب، مشاوران امین و قابل اعتمادی برای مردم هستند. لذا این سازوکار در سیاست کلی اگر تبدیل به قانون شود و احزاب جایگاه بایسته در انتخابات پیدا کنند قدم مؤثری برای توسعه و به‌روزشدن سازوکار اداره کشور برداشته می‌شود.

نظارت بر مراحل مختلف انتخابات و عدم ورود نهادهای برگزارکننده به نفع یا ضرر نامزدها، خواست نامزدها بوده است. «پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و حق انتخاب آزادانه افراد و صیانت از آرای مردم به‌عنوان حق‌الناس در قانون‌گذاری، نظارت و اجرا و نیز رعایت کامل بی‌طرفی از سوی مجریان و ناظران و برخورد مؤثر با خاطیان» در این سیاست‌ها دیده شده است.

اگر حق‌الناس بودن رأی مردم در بعد گزینش نامزدها بخواهد به‌صورت ساختار عملیاتی و اجرایی در بیاید الزما باید قانون مصوب مجلس چهارم در این زمینه تغییر اساسی پیدا کند. الان مشکل این است قانون به‌نحوی است که به موجب بند یک ماده ۲۸ باید اعتقاد و التزام عملی کاندیدا به اسلام و نظام جمهوری اسلامی برای شورای نگهبان احراز شود. اما آنچه ما از قانون اساسی می‌فهمیم اصل برائت است، مگر آنکه عکس آن ثابت شود. مثلاً محتوای بند یک ماده ۲۸ می‌تواند به ماده ۳۰ که شرایط سلبی را فهرست کرده منتقل و گفته شود افرادی که التزام عملی به اسلام ندارند صلاحیت نامزدشدن ندارند. به زبان دیگر افراد، صلاحیت کاندیدشدن دارند، مگر آنکه قانون با قیود شفاف و روشن مانع آنها شود. در شرایط فعلی حق‌الناس لطمه می‌بیند. افراد باصلاحیت و کفایت بسیاری وجود دارند که شورای نگهبان و هیات نظارت در آن طرف زمانی محدود نمی‌توانند صلاحیتشان را احراز کنند و می‌گویند صلاحیت احراز نشد نه اینکه صلاحیت ندارند. این را بارها از اعضای آن شورا شنیده‌ام. مواقعی پیش آمده که ۲۴ ساعت به زمان پایان تبلیغات، صلاحیت یک نامزد احراز شده است که دیگر شانسی برای آن انتخابات ندارد. امیدواریم این بخش در قانون نهایی به‌خوبی لحاظ شود.

موضوع هیأت‌های اجرایی هم ازجمله مسائل مناقشه‌برانگیز بوده است. در سیاست‌های کلی آمده «وزارت‌کشور ۳۰ نفر از معتمدین اصناف، اقشار و نخبگان مختلف اجتماعی را که شرایط آنها را قانون تعیین می‌کند با هماهنگی و نظر شورای نگهبان دعوت و آنها از میان خود هفت نفر را به‌عنوان معتمدین مردم برای عضویت در هیأت مرکزی انتخاب می‌کنند». این «هماهنگی و نظر» به چه معناست؟

من هم همین اشکال و شبهه را دارم. اگر از واژه «تأیید» استفاده می‌شد بر روند فعلی صحه می‌گذاشت. بارها وزارت کشور از تأییدشدن معتمدان معرفی‌شده از سوی خود برای حضور در هیأت اجرایی، گله کرده و این در حالی است که تعریف معتمد در عرف مشخص است. به نظرم اگر کلمه «مشورت» به‌کار گرفته می‌شد و اعضای مجمع تشخیص، نظر مشورتی هیأت نظارت مرکزی را در سیاست‌های کلی لحاظ می‌کردند، فضا روشن‌تر می‌شد. به‌هرحال این سیاست‌ها اگر به نحو مناسبی به قانون تبدیل شود، حتماً شورای نگهبان هم از آن استقبال خواهد کرد. مصوبه مجمع، سند بالادستی است و قرائت شورای نگهبان از قانونی که مجلس براساس این سیاست‌ها تدوین خواهد کرد، با نظر به مصوبه مجمع تشخیص خواهد بود.